

غزل شماره ۲۰۶

میش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود
مهرورزی تو با مشره آفاق بود

یاد باد آن صحبت شب ها که با نوشین لبان
بحث سر عشق و ذکر حلقه عشاق بود

میش از این کاین سقف سبز و طاق مینا بر کشد
منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود

از دم صبح ازل تا آخر شامِ ابد
دوستی و مهر بر یک عهد و یک یشاق بود

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد؟
ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

حسنِ مَه رویانِ مجلسِ کَر چه دل می بُرد و دین
بِحِثِّ مادرِ لطفِ طبع و خوبیِ اخلاق بود

بر درِ شاهم کدایی نکته‌ای در کار کرد
گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود

رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود

در شبِ قدر از صبحی کرده ام، عیم مکن
سرخوش آمدیاد و جامی بر کنار طاق بود

شعر حافظ در زمانِ آدم اندر باغِ خلد
دقتر نسرین و گل رازینتِ اوراق بود

تفسیر فال

ناراحت و افسرده نباش و اینقدر در افکار گذشته غرق نشو. به جای آن، بر روی عهد و پیمانی که با خود بسته‌ای تمرکز کن و سعی کن به آن عمل کنی. به دنبال کسب روزی حلال باش، زیرا خداوند قادر مطلق است و هر آنچه را که بخواهی از مال و دولت به تو عطا خواهد کرد. اگر چه ممکن است در حال حاضر نتوانی به تمامی عهدهایی که بسته‌ای عمل کنی، اما مهم این است که تمام تلاش خود را بگذاری و با جدیت پیگیری کنی. این سعی و کوشش تو در نهایت تو را به سر منزل مقصود خواهد رساند، جایی که آرامش خاطر و رضایت درونی‌ات را پیدا خواهی کرد. بی‌تردید، هر گامی که برداری می‌تواند تو را نزدیک‌تر کند به اهداف و الایت. پس امیدوار باش و همواره تلاش کن؛ زیرا موفقیت حاصل اراده قوی انسان‌هاست.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)